

شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۱۳، سال دوم، دسامبر ۲۰۰۱
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

کریسمس در این آیه‌ها به بهترین نحو بیان شده است. در آنها، عیسی را می‌بینیم، در بلندترین بلندیهای آسمان، او را که از همان ذات الهی برخوردار بود ولیکن تن گرفت و به اعماق تاریکی گناه جهان فرو آمد. او در مقام خدمتکار، دهشت صلیب را بر خود هموار ساخت و آنگاه به شکوه و عزت خود در آسمان بازگشت. در آنجا خدا او را بر افراشت و بر تمامی آفریدگان ممتازش فرمود و مقرر داشت تا هر زانویی در برابر او خم شود و هر زبانی اعتراف کند که فقط اوست خداوند (صاحب و مولا). خدا می‌خواهد ما را نیز در جلال و قدرت خود شریک سازد. او

می‌خواهد که جلال و قدرت خود را در زندگی و خدمت ما به کار اندازد. آیا می‌خواهید عمل خدای قادر مطلق را در زندگی خود مشاهده کنید؟ در این صورت باید همان مسیری را بپیماییم که عیسی پیمود. این مسیر در آیات فوق از رساله به فیلیپیان به زیبایی بیان شده است. بیایید این آیات را بکاوییم تا گامهایی را که عیسی در این مسیر برداشت کشف کنیم.

• برای زیستن باید مرد.

نخست، در مسیری که عیسی پیمود، مشاهده می‌کنیم که برای

زیستن باید مرد. آیه ۸ می‌فرماید: «خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت، بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید.» پولس این نکته را در رومیان ۴:۶ روشتر می‌سازد و می‌فرماید: «پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم.»

(بقیه در صفحه ۱۲)

«پس همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی بود» (فیل ۲:۵). در شب نخستین کریسمس، یک پادشاه زمینی در روم، قدرتمندترین شهر آن روزگار، در بستر نرم و ابریشمی خویش جای گرفت. او مظهر عظمت قدرت بشری، ناز و نعمت، و کفر به خدا بود؛ همه به او حسرت می‌خوردند. در همان شب، پادشاهی از نوعی کاملاً متفاوت، فرمانروا و خالق عالم هستی، بدون جلب توجه، در بستر خلقت خود جای گرفت. او از زنی گمنام در دهکده‌ای دور افتاده، و در آخوری پست، چشم به جهان گشود. ولادت او را چوپانانی تنگدست و مسافرینی

بیگانه از دیار پارس جشن گرفتند. چنانکه اشعیای نبی قرن‌ها قبل پیشگویی کرده بود، او براستی «خوار و نزد مردمان مردود و صاحب غمها و رنج‌دیده» بود (اشعیای ۵۳:۳).

تفاوت این دو صحنه تکان‌دهنده است، چرا که در آنها تبلور و تجسم بارز دو فرمانروایی را می‌بینیم، فرمانروایی این دنیایی، و فرمانروایی الهی. در ماجرای کریسمس، شاهد حمله خدا به نیروهای تاریکی هستیم، نیروهایی که نوع بشر را از زمان باغ عدن در اسارت خود نگاه داشته

بودند. «آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می‌گرداند و در جهان آمدنی بود» (یوحنا ۱:۹). او آمد تا ملکوت و فرمانروایی جدیدی برقرار سازد، ملکوتی از نوع دیگر. و ما را نیز که به نام او ایمان داریم، فرا می‌خواند تا اصول این ملکوت و فرمانروایی را در زندگی و خدمت خود پیاده کنیم.

این اصول را به بهترین وجه در فیلیپیان ۲:۵-۱۱ می‌یابیم. پیام

پیام کریسمس
خود را
خالی کنیم!

(دنباله صفحه ۸)

در دوران تحصیلات دانشگاهی‌ام، یک سال در یک بیمارستان اعصاب کار کردم. یک روز وقتی با کشیش بیمارستان به بخشها سرکشی می‌کردیم، نکته بسیار جالبی از او شنیدم؛ گفت: «تمام کسانی که اینجا هستند، در دام ملکوت نفوس گرفتارند و نتیجه‌اش این بوده که سلامت فکری خود را از دست داده‌اند. نیاز میرم ایشان ملکوت خداست!» سپس توضیح داد که در ملکوت نفس، شخص خود را مرجع غایی حقیقت می‌داند، و بر این باور است که خودش به تنهایی قادر به انجام هر کاری است، و حریص است که مورد عزت و احترام دیگران قرار گیرد. نتیجه‌اش این است که شخصیتش روزی در هم می‌شکند و فرو می‌پاشد. در ادامه سخنش گفت که زندگی کردن در ملکوت خدا یعنی مردن نسبت به خویشتن، و پذیرفتن مسیح به‌عنوان مرجع غایی حقیقت، و تکیه کامل به قدرت روح‌القدس برای اطاعت از این حقیقت. نتیجه این گونه زندگی، رسیدن به آزادی واقعی است. بدون مردن نسبت خویشتن و زیستن برای مسیح، ثمر ماندگاری برای او نخواهیم آورد.

• برای بدست آوردن، باید از دست داد. دومین گام عیسی

رادر این مسیر، در آیه ۶ می‌یابیم. می‌فرماید: «چون در صورت خدا بود، با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد.» در اینجا حقیقت دیگری نمایان می‌شود: برای بدست آوردن، باید از دست داد. عیسی به آنچه که در آسمان داشت نچسبید، بلکه آن را به پدر تقدیم کرد تا آن را به کار گیرد. همه ما از چیزهایی خدادادی برخورداریم، اما گرایش طبیعی ما این است که به آنها «دو دستی» بچسبیم. با تلاش برای تسلط و کنترل دیگران گرچه احساس امنیتی کاذب به ما دست می‌دهد، اما جز نتیجه عکس چیزی عایدمان نمی‌شود: به جای اینکه به ایشان نزدیکتر شویم، میان خود و ایشان دیوار جدایی می‌کشیم. زنها یا شوهرانی که می‌کوشند طرف مقابل را تحت کنترل خود در آورند، عملاً آنان را از خود می‌رانند. همین روش، باعث جدایی والدین از فرزندان‌شان می‌شود. شبانانی نیز که با چنین روشی خدمت می‌کنند، ایماندارانی وابسته به خودشان پرورش می‌دهند، نه وابسته به مسیح، و اغلب نیز مورد بی‌وفایی ایشان قرار می‌گیرند.

آیا مایلید رابطه‌تان با دیگران بر اساس اصول الهی باشد؟ پس آنان را به مسیح بدهید و آنان را به زور وادار نسازید به آن شکلی در آیند که خودتان برای ایشان در نظر دارید.

• پیش از آنکه قدرت او را تجربه کنیم، باید ضعف

خویشتن را بپذیریم. سومین گام دگرگون‌کننده که در مسیر عیسی مشاهده می‌کنیم، در آیه ۷ یافت می‌شود که می‌فرماید: «خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد.» پیش از آنکه قدرت او را تجربه کنیم، باید ضعف خویشتن را بپذیریم. عیسی هنگامی که تن گرفت و زندگی بشری خود را همچون کودکی آغاز کرد، ضعیف و ناتوان شد. چرا عیسی چنین گامی برداشت؟ نویسنده رساله به عبرانیان می‌فرماید که عیسی چنین کرد تا کاهن اعظمی کامل شود و از هر جهت همسان بشریت ما گردد (عبرانیان ۴:۱۵). علاوه بر آن، شخصاً معتقدم که او می‌خواست به ما نشان دهد که هر گاه خود را از تمامی قدرت انسانی خود خالی کنیم، در او بسیار نیرومند خواهیم شد. پولس نیز همین مکاشفه را از خدا دریافت داشت و فرمود که قوت مسیح در ضعف انسان کامل می‌شود (دوم قرنتیان ۹:۱۲).

من اکثراً با همسنگرانم در خدمت شبانی این شوخی را می‌کنم و می‌گویم که من هر هفته روزهای دوشنبه می‌خواهم از خدمت استعفا بدهم. اما واقعیت این است که باید هر روز استعفا بدهم و به خداوند اعلام کنم که با قدرت خودم قادر به انجام این خدمت نیستم. من این درس را به بهایی سنگین آموختم. سالها پیش، از خدمت خود بسیار دلزده و افسرده شدم. هیچ کاری به ثمر نمی‌رسید، کسی ایمان نمی‌آورد، تعداد شرکت‌کنندگان بسیار کم بود، میزان هدایا بسیار پایین بود، و بدتر از آن، کسانی که به کلیسا می‌آمدند شروع کرده بودند به ایرادگیری از من. یک روز یکشنبه، صبح زود به محراب کلیسا رفتم تا دعا کنم. به حضور خدا فریاد زده، گفتم: «من دیگر نمی‌توانم! من این کار را رها می‌کنم! این کلیسا از آن توست و خودت باید آن را بگردانی!» در همین حال که داشتم ضعف خود را به خدا اعتراف می‌کردم، آرامش حیرت‌انگیزی وجودم را فرا گرفت. شروع کردم به خندیدن، کاری که مدت‌ها بود نکرده بودم. احساس کردم مسیح می‌گوید: «حالا تو برو کنار تا من بتوانم کار کنم.» آن روز برآستی نقطه عطفی بود در خدمت من.

دعا می‌کنم که شما نیز این حقیقت را درک کنید که قدرت روحانی واقعی در خدمتتان فقط زمانی به کار خواهد افتاد که به ضعف خود پی ببرید. در این ایام کریسمس، یک بار دیگر در مقابل یک انتخاب قرار داریم: انتخاب میان راه و روش این دنیا که خودبزرگ‌بینی و قدرت‌طلبی را می‌ستاید، و راه و روش رهاننده‌مان عیسی مسیح که ما را فرا می‌خواند تا نفوس خویش را انکار کنیم و صلیب او را بر دوش بگیریم. این است طریقت الهی بسوی شباهت به مسیح!

شما کدام را انتخاب می‌کنید؟

سرسخن

دوستان گرامی در مسیح،

به همراه تمامی دست‌اندرکاران مجلهٔ **شبان**، میلاد نجات‌دهنده‌مان عیسی مسیح را به شما و خانواده و کلیسایان تبریک می‌گوییم. زمانی که این شماره از **شبان** به دستتان می‌رسد، قطعاً درگیر برنامه‌های مخصوص کریسمس و سال نو می‌باشید. این عالی‌ترین فرصت برای اعلام پیام راستین انجیل و شخصیت واقعی عیسی مسیح می‌باشد. بزرگترین مشکل در کار شبانی این است که از یاد ببریم در بارهٔ خود مسیح و شخصیت واقعی او موعظه کنیم. اگر چنین است، یوحنا ۱:۱-۱۴ و کولسیان ۱:۱۵-۲۳ را بخوانید و مسیح را با تمامی جلال و شکوهش موعظه کنید. ماجرای ولادت مسیح را از انجیل‌ها بخوانید و ببینید چه کسانی به او ایمان آوردند و چه کسانی ردش کردند. زندگی مریم و یوسف را عمیقاً مطالعه کنید و ببینید که خدا در قلبشان چه کاری انجام داد. چوپانان را تا بیت‌لحم دنبال کنید و ببینید که ملاقات با عیسی نوزاد چه تأثیری بر زندگی‌شان نهاد. ملاحظه کنید که مجوسان چگونه محل عیسی نوزاد را یافتند و چگونه او را همچون پادشاه تکریم نمودند. وقتی بر این ماجراها تعمق کنید، خدا حقایق خارق‌العاده‌ای را برای شما کشف خواهد کرد که اعضایتان مشتاق شنیدنش می‌باشند. دعای ما این است که خدا شما را برای رساندن نور مسیح به ملت‌ها به کار گیرد.

همانطور که بسیاری از خادمین اطلاع یافتند، خواهر عزیزمان، خانم آن‌هاید هوسپیان، همسر جناب کشیش ادوارد هوسپیان، ناظر کلیساهای جماعت ربانی ایران، به حضور مسیح شتافتند و به «کلیسای پیروزمند» در آسمان پیوستند. گرچه دوری ایشان از خانواده و جمع ایمانداران ایرانی دردناک است، اما تسلی ما این سخنی است که خداوند ما فرمود: «من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد. و هر که زنده بود و به من ایمان آورد، تا به ابد نخواهد مرد» (یوحنا ۱۱:۲۵ و ۲۶). ضمن همدردی با برادرمان کشیش ادوارد هوسپیان، از همگی شما عزیزان درخواست می‌کنیم که ایشان و چهار فرزندشان را در دعا به حضور خداوند بلند کنید و خواستار تسلی و دلگرمی ایشان باشید.

بسیار خوشوقتیم که از این شماره، مقالاتی از برادرمان جناب کشیش نینوس مقدس‌نیا، خادم کلیسای پرزبیتی ایران در زمینهٔ «بیماریهای شبانی» درج می‌کنیم. از مدت‌ها پیش تلاش ما این بوده که **شبان** را بر روی اینترنت عرضه کنیم. امیدواریم امور فنی این کار با موفقیت پیش برود و بزودی **شبان** را روی سایت www.farsinet.com ببینیم. روی این سایت، اطلاعات متنوع بسیاری در زمینهٔ کتاب‌ها و منابع مسیحی به زبان فارسی ارائه شده که همگی شما را به مراجعه به آن تشویق می‌کنیم.

با نزدیک شدن به پایان سال مسیحی، خدا را سپاس می‌گوییم که فیض بخشید تا به مدت دو سال **شبان** را به شما عزیزان عرضه کنیم. جا دارد از همه کسانی که ما را با نوشتن مقالات و امور فنی یاری داده‌اند و نیز از عزیزانی که با نامه‌هایشان یا ارسال هدایا باعث تشویق ما شده‌اند، قدردانی می‌کنیم. خداوند شما را برکت بدهد.

تت استیوارت

سردبیر

مطالب این شماره:

- پیام کریسمس: خود را خالی کنیم
(تت استیوارت) ص ۱
- آیا ۲۵ دسامبر واقعاً روز ولادت مسیح است؟ ص ۳
- خدمات شبانی (بخش سوم)
(تت استیوارت) ص ۴
- بیماریهای شبانی (بخش ۱)
(نینوس مقدس‌نیا) ص ۵
- خادم در مقام مدیر (بخش ۴)
(آرمان رشدی) ص ۷
- آگهی‌های همسنگران ص ۹
- طرح کلی برای تهیه موعظه
(تت استیوارت) ص ۱۱

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تت استیوارت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11
Fax: +1-303-873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

آیا ۲۵ دسامبر



واقعاً روز ولادت مسیح است؟

زمان ولادت مسیح

اکثر مسیحیان جهان، روز ۲۵ دسامبر را به عنوان روز میلاد مسیح جشن می‌گیرند. اما آیا براساس عیسی مسیح دقیقاً در این روز به دنیا آمد؟ آیا او در فصل زمستان به دنیا آمد؟ مگر نه اینکه به هنگام ولادت او، چوپانان در صحرا، در هوای آزاد، از گوسفندان خود مراقبت می‌کردند؟ با علم به اینکه در این فصل در سرزمین فلسطین، هواسرد است و هیچ چوپانی گوسفندان خود را در هوای باز نگه نمی‌دارد، آیا مسیح می‌توانسته در زمستان به دنیا آمده باشد؟ به همین دلیل است که امروزه، بسیاری از صاحب نظران را عقیده بر این است که عیسی می‌بایست در یکی از ماههای گرم یا متعادل سال چشم به جهان گشوده باشد.

پس روز ۲۵ دسامبر از کجا و چگونه جزو اعیاد مسیحیان گردید؟

مطابق یک سند تاریخی که متعلق به سال ۳۵۴ میلادی است، روز ۲۵ دسامبر در اوائل قرن چهارم میلادی، در شهر روم به عنوان یک روز بزرگ جشن گرفته می‌شده است.

صاحب نظران برای تعیین این روز به عنوان روز ولادت مسیح، دو نظریه ارائه می‌دهند.

نظریه مهرپرستی

نظریه اول این است که روز ۲۵ دسامبر در اصل روز ولادت خدای شکست‌ناپذیر خورشید بوده است. این عید را امپراطور اورلیان در سال ۲۷۴ در تمامی حکومت روم اجباری ساخت. این روز در واقع مصادف بود با کوتهترین روز سال (شب یلدای ایرانی). خدای خورشید نیز همان میترا (یا مهر)، از ایزدان دین زرتشتی است که سربازان رومی پرستش او را در طول جنگهایشان با ایرانیان آموختند و آن را به روم بردند و بدینسان آیین مهرپرستی در این حکومت رواج و نضج یافت. بنا بر این نظریه، روز ۲۵ دسامبر (با کمی اشتباه در محاسبه روز آن - چهارم دی ماه)، آغاز بلند شدن روز، یا به عبارتی، پیروزی خورشید و روشنایی بر تاریکی است. وقتی مسیحیت تبدیل به دین رسمی امپراطوری روم گردید، کلیسا این عید قدیمی را منسوخ نساخت، بلکه آن را به عنوان روز ولادت مسیح، «آفتاب عدالت» راستین، اعلام داشت. بدینسان، کلیسا به این عید بت پرستان مفهومی جدید بخشید و آن را حفظ نمود.

نظریه زندگی کامل مسیح

اما نظریه دوم این امکان را رد می‌کند که

روز ولادت مسیح در اصل یک عید بت پرستی بوده است. طبق این نظریه، زندگی عیسی از هر جهت کامل بوده است. به همین جهت، تاریخ شکل‌گیری نطفه او و مرگش قطعاً یکی بوده است! به این ترتیب، از آنجاکه عیسی روز ۲۵ مارس، یعنی روز اول بهار جان سپرد (با چند روز اشتباه در محاسبه آن - ۱ فروردین)، نطفه اش نیز در همان روز در رحم مریم مقدس قرار گرفته است. از اینرو، ولادت او ۹ ماه بعد، یعنی در روز ۲۵ دسامبر رخ داده است (یا از اول فروردین تا اول دی).

اما ولادت خداوند ما عیسی مسیح در هر روز از سال که رخ داده باشد، مهم این است که ما ایمان داریم که «چون زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را فرستاد که از زن زاینده شد و زیر شریعت متولد» (غلاطیان ۴:۴). ما ایمان داریم که «کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی. و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر» (یوحنا ۱:۱۴). روز ولادت او را در هر روز از سال که جشن بگیریم، پیامش همین است که پسر خدا برای نجات بشر تن گرفت و انسان شد. این است بنیاد ایمان ما. آمین. ■

وظایف شبان

در کتاب مقدس



قسمت دوم: دنباله وظایف شبان

نوشته کشیش تت استیو آرت

زندگی مسیحی را کلاً رها کند. با مطالعه غلاطیان ۵: ۱۶-۲۶، می توان معیار زندگی مطابق اراده روح القدس را درک کرد. من اغلب این مثل را از یک واعظ چینی نقل می کنم که می خواست به اعضای کلیسایش تعلیم دهد که زندگی پر از روح القدس چگونه است. او دستکش کهنه و کثیفی را به اعضای کلیسا نشان داد و گفت که این دستکش قاعدتاً هیچ ارزشی ندارد. سپس از یک پیانیست ماهر خواست که آن را بر دست کند و پیانو بنوازد. پس از آنکه پیانیست از نواختن فارغ شد، واعظ بار دیگر دستکشها را بالا نگه داشت تا همه ببینند. او گفت که دستکشها به خودی خود ارزشی نداشتند، اما وقتی یک پیانیست ماهر آنها را بر دست کرد، زیباترین نغمه ها را با آنها نواخت. مقصود او کاملاً روشن بود: بدون روح القدس

دهد. در آن شماره، دو زمینه را مورد بررسی قرار دادیم، که یکی عبارت بود از اطمینان نجات، و دیگری حفظ رابطه با خدا. حال به بررسی دو زمینه دیگر خواهیم پرداخت که شبان باید در مورد آنها به اعضایش کمک کند.

پر بودن از روح القدس

یک نوایمان باید بداند چگونه پر از قدرت روح القدس زندگی کند. هدف روح القدس این است که به ایماندار یاری دهد تا مقدس و مسیح گونه زندگی کند (کولسیان ۱: ۲۷ و فیلیپیان ۴: ۱۳). ایمانداری که از روح القدس پر نباشد، دیر یا زود به این نتیجه می رسد که بر خورداری از زندگی مقدس امری است غیرممکن؛ بنابراین، به زندگی در گناه ادامه می دهد. بعد از مدتی، احساس خواهد کرد که ریاکاری می کند و به این فکر می افتد که

شبان این دعوت مقدس را دارد که برای گله اش نمونه ای از خدا ترسی باشد و ایشان را در طریق خداوند هدایت و شبانی کند. او باید ایشان را طوری دوست بدارد که بتواند ایشان را نام به نام بخواند، و باید آنان را طوری بشناسد که قادر باشد سلامت روحانی شان را تشخیص دهد. وقتی از مشارکت به دور می افتند، باید به جستجوییشان بر آید. باید با پیامهایی عملی که به دقت از کلام خدا تهیه کرده، خوراکشان دهد. دشوارترین وظیفه ای که شبانان بر دوش دارند، شاگردسازی نوایمانان و نهادن بنیادی استوار برای ایشان است، چرا که بدون آن ایمان خود را از دست خواهند داد.

در شماره قبل، بر این نکته تأکید کردیم که شبان وظیفه دارد که بطور شخصی با اعضای خود کار کنند تا ایشان را در زمینه هایی که نیاز به رشد دارند، یاری

(دنباله صفحه ۴)

زندگی روحانی ما فاقد قدرت است، اما با سکونت روح القدس در ما، زندگی ما می‌تواند به‌سان زیباترین نغمه‌ها برای خدا باشد.

اما چگونه یک ایماندار می‌تواند از روح القدس پر باشد؟ در پاسخ باید گفت که مهم نیست که «ما» چقدر از روح القدس پر هستیم؛ مهم این است که روح القدس چه مقدار از زندگی ما را در دست دارد. آنچه که مانع کار روح القدس در ما می‌شود، گناه و غرور ماست (افسیان ۴:۳۰). بنابراین، برای اینکه از روح القدس پر باشیم، باید دائماً با خون مسیح از گناهان خود پاک شویم و زندگی‌مان هر لحظه تسلیم به مسیح باشد. این گام را می‌توان به تنفس تشبیه کرد: گناهان را همچون دم از طریق اعتراف بیرون می‌دهیم، و روح خدا را از طریق تسلیم به او، تنفس می‌کنیم.

هرگاه که از روح القدس پر باشیم، ثمره روح در زندگی‌مان دیده می‌شود. اگر هر لحظه از روز از روح القدس پر باشیم، این ثمرات دائماً در زندگی‌مان به چشم خواهد خورد: محبت، خوشی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکویی، ایمان (وفاداری)، پرهیزگاری، و تواضع (غلاطیان ۵:۲۲).

همچنین می‌توانید از آیات زیر نیز استفاده کنید تا کارهایی را که روح القدس در زندگی ایماندار انجام می‌دهد، به او نشان دهید:

● یوحنا ۱۶:۵-۱۱؛ روح القدس انسان را به گناه ملزم می‌کند.

● اول قرنتیان ۳:۱۲؛ روح القدس انسان را قادر می‌سازد که به مسیح ایمان بیاورد.

● اول قرنتیان ۳:۱۶؛ روح القدس در ایمانداران ساکن است.

● یوحنا ۱۶:۱۳؛ روح القدس حقایق الهی را بر ایمانداران مکشوف می‌سازد.

● غلاطیان ۵:۲۲-۲۶؛ روح القدس از طریق ثمراتش، ما را شبیه به مسیح می‌سازد.

● رومیان ۸:۲۶-۲۷؛ روح القدس ما را در دعا مدد می‌دهد.

● اول قرنتیان ۱۲:۴-۶؛ روح القدس عطایای روحانی را جهت خدمت به ما عطا می‌کند.

● اعمال ۱:۸؛ روح القدس به ما قدرت می‌بخشد تا شاهدان او باشیم.

● یوحنا ۱۴:۱۶؛ روح القدس تسلی الهی را به ارمغان می‌آورد.

رعایت کارهای اساسی

مسیحی

زندگی مسیحی بدور از مشکلات نیست. پولس رسول نوشت: «نجات خود را به ترس و لرز به‌عمل آورید» (فیلیپیان ۲:۱۲). یک نوایمان ممکن است در آغاز از کمک سایر ایمانداران بهره بسیار بگیرد؛ اما به تدریج باید بیاموزد که بر پای خود بایستد و رشد روحانی خود را مستقلاً ادامه دهد. به این منظور، باید چهار کار اساسی را رعایت کند:

۱- دعا کردن (یوحنا ۱۵:۷):

۲- مطالعه کتاب مقدس (یوحنا ۸:۳۱-۳۲):

۳- مشارکت با سایر ایمانداران (یوحنا

۱۳:۳۴-۳۵): و

۴- شهادت دادن و خدمت کردن به دیگران (یوحنا ۱۵:۸).

از بسیاری از جهات، این چهار کار کمک می‌کنند تا آتش روحانی در دل‌مان فروزان بماند.

برای آموزش دادن این کارها به ایمانداران راه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از آنها این است که به‌هنگام ملاقات با ایمانداران، این چهار کار را عملاً با ایشان انجام دهیم. در حین ملاقات، سعی کنید اوقاتی را اختصاص دهید به دعا کردن با شخص مورد ملاقات، دعا کردن برای مشکلاتش، در میان گذاشتن مسائل و مشکلات خود با یکدیگر، و تشویق متقابل به شهادت دادن و خدمت کردن. این نکات را در جلسات کلیسایی‌تان نیز باید بگنجانید. همچنین باید آنها را همواره به اعضا گوشزد کنید. هرگاه که یکی از این کارها تحقق نیابد، این نشانه‌ای است از یک بیماری روحانی و باید به آن رسیدگی کنید.

در شماره آینده، به این موضوع خواهیم پرداخت که چگونه می‌توان به ایمانداران بر اساس کتاب مقدس امید بخشید. ■

سختدلی شبانی !!!

نوشته کشیش نینوس مقدس‌نیا

علل بیماری

هول جلسه و فشار تهیه و ارائه موعظه یک طرف، آن پنج دقیقه پس از خاتمه جلسه که باید دم در ایستاد و با مردم دست داد، یک طرف! تمایلی به دیدن اعضای کلیسای خود ندارید و ترجیح می‌دهید با کسی صحبت نکنید. بعد از جلسه فوراً به گوشه‌ای می‌روید و خود را از نظرها پنهان می‌کنید تا زمانی که سالن کلیسا از مردم خالی شده باشد.

۳- دیگر مانند اوایل دوران خدمت خود، علاقه‌ای به دیدن نجات یافتن مردم ندارید (راستش را بخواهید همه اینها را فیلم و ریا می‌دانید). نه فقط نسبت به گناهکاران، بلکه حتی در مورد فقرا و بیماران هم احساس دلسوزی نمی‌کنید؛ مشکلات عاطفی جوانان که هیچ!

۴- هیچ جلسه‌ای بر شما تأثیر ندارد، هیچ برنامه گروههای کلیسایی برایتان جالب نیست، حتی سرود خواندن کوچک‌ترین و شیرین‌ترین بچه‌های کانون شادی هم چیزی را در سینه شما به حرکت در نمی‌آورد. ☺ صفحه بعد

تلاش جهت رشد روحانی آن، الان به کجا رسیده است. کم کم به خود می‌گوید: «برای چه کسانی خودت را می‌کشی؟ چه فایده از این همه زحمت و تلاش؟ چه کسی عوض شد؟ چه اتفاقی افتاد؟ چه کسی قدر زحماتت را فهمید؟ قدردانی که هیچ، چه کسی لااقل بدگویی‌ات را نکرد؟!»

اکنون دیگر آن جوان خوش‌قلب و فداکار و تازه‌دستگذاری شده، به کشیشی میانسال و بدبین تبدیل شده که از کوچکترین لطفی در حق اعضایش، اکراه دارد.

نشانه‌های بیماری

۱- در اکثر مواقع در ناحیه سینه، احساس سنگینی می‌کنید! این اولین نشانه این بیماری و بدیهی‌ترین آن است، چرا که قلب سخت و سنگی باید هم از قلب نرم و گوشتی سنگین‌تر باشد!

۲- اغلب با خود فکر می‌کنید که تمام

معمولاً هر وقت ذکری از سختدلی می‌شود، فوراً به یاد فرعون می‌افتیم. اما همکاران عزیز، هیچ می‌دانید که ما شبانان هم می‌توانیم دچار نوع مشابه آن بیماری، البته از نوع خفیف‌تر، بشویم؟! این بیماری، «سختدلی شبانی» نام دارد که گاه، شبانان دلسوز هم دچار آن می‌شوند؛ بعضی از شبانان ابتدا با روحیه‌ای مثبت و قلبی رئوف وارد خدمت خدا شده‌اند، اما پس از مدتی، چنان نسبت به کار و اعضای خود سنگدل می‌شوند که برای خودشان هم مایه تعجب است.

شبان کلیسا، بیشترین تماس و برخورد را با مردم و اعضا دارد. در این میان، سخنان مختلفی به گوشش می‌رسند که بعضی تلخ و دردآور هستند. ابتدا فکر می‌کند که حتماً سوءتفاهمی پیش آمده و یا فقط یکی از اعضا، مغرضانه در مورد او حرفی زده است. اما چند سال که گذشت، با خود می‌اندیشد که بهتر است از خواب خوش‌باووری بیدار شود و به چشم خود ببیند که کلیسایش چیست و پس از سالها

(دنباله صفحه قبل)

۵- به بهانه کار و مشغله زیاد، ملاقات شبانی را کلاً تعطیل کرده‌اید. وقتی منشی کلیسا به شما می‌گوید که خانم مسنی تلفنی خواسته که به ملاقاتش بروید و برایش عشای ربّانی ببرید، عزا می‌گیرید، چون اصلاً حوصله مردم را ندارید؛ مخصوصاً اشخاص مسن و بیمار را.

عواقب خطرناک این بیماری

اگر نشانه‌های فوق (یا بعضی از آنها حتی از نوع خفیف‌ترش) را در خود می‌بینید، فوراً به دنبال راه چاره باشید، چون هر چه بگذرد، سخت‌تر خواهید شد و این بیماری همه وجود شما را خواهد گرفت.

ممکن است حس بی‌اعتنایی نسبت به مردم، بتدریج به دوری از اعضا و نوعی تنفر نسبت به آنان مبدل شود. مواظب باشید که مبادا این مردم‌گریزی، باعث شود فکر کنید که همه با شما دشمن هستند و زندگی و خدمت شما را به بطالت کشانده‌اند. چون در این صورت به فکر انتقام خواهید افتاد!

توجه داشته باشید که سخت‌دلی، قبل از هر چیز و هر کس، به خود شما آسیب می‌رساند و ثمر خدمت شما را تهدید می‌کند.

همین سخت‌دلی، باعث بر هم خوردن رابطه و مشارکت شما با خدا هم خواهد شد. دلخوری شما از مردم، کم‌کم به دلگیری‌تان از خدا منجر می‌شود.

راه درمان

به بیماری سختی دچار شده‌اید که اگر مزمن شود، خطرناک خواهد شد. لازم است هر چه زودتر به عیسی مسیح، پزشک آسمانی، مراجعه کنید. وی احتمالاً چنین نسخه‌ای برایتان خواهد نوشت:

(اول) روزی سه بار، هر بار یک قاشق غذاخوری (معادل چند دقیقه) دعا کنید. هر چه تلخی از دیگران می‌بینید، با شیرینی حضور خدا در دعا درمان کنید. دعا می‌تواند قلب شما را نرم سازد. بطور خاص برای آن عضوی از اعضای کلیسا که قلب شما را به درد آورده، به اسم دعا کنید و برکت و هدایت او را بطلبید.

(دوم) روزی یک قرص (معادل یک باب) از رسالات شبانی را بخوانید. سعی کنید آیات مخصوص این رسالات را با خود و با شرایط ویژه خدمتی‌تان منطبق سازید. ممکن است امور اداری کلیسا مدرن و کامپیوتری شده باشد، اما از بسیاری جهات، کلیسای قرن ۲۱ همان کلیسای قرن اول است. هنوز هم ایجاد کنندگان درگیری از همان روشها استفاده می‌کنند، غیبت‌کنندگان همان حرفها را می‌زنند، و از نامطیعان هم همان خراب‌کاریها سر می‌زند.

(سوم) اگر این قرصها قبل از بهبودی‌تان تمام شوند، می‌توانید از کتب موسی و رسالات پولس به عنوان داروهای مشابه

استفاده کنید. حلم موسی و حکمت پولس می‌توانند نمونه‌های مفیدی باشند. همین مطالعه و مقایسه، می‌تواند خود شما را هم بیدار سازد و نشان دهد که گاهی، بعضی حرفهای مردم در مورد شما صحیح هستند و بهتر است خودتان را اصلاح کنید.

(چهارم) سعی کنید خود را موظف به تماس با اعضای کلیسا کنید. این آمپول شاید دردناک باشد، اما تأثیرش بیشتر است. هر چه مشارکتان با مردم بیشتر باشد، صمیمیت و درک متقابل هم بیشتر خواهد شد و محبت اعضای کلیسا، قلب شما را فرا خواهد گرفت. نگذارید طعنه یکی دو نفر، شما را به همه بدبین سازد.

خلاصه اینکه...

کار شبانی، مستلزم وجود رابطه‌ای گرم و پرمحبت میان خادم و اعضاست. مگر می‌شود گوسفندان را به دست چوپانی سپرد که از آنها متنفر است؟!

کلیسا قوم برگزیده خداست، و با همه ضعف‌هایی که دارد، محبوبه اوست. شما هم به‌عنوان خادم خدا و خادم کلیسا، آن را دوست بدارید و تک‌تک اعضایش را در دل خود داشته باشید.

بله؛ در ایام آخر، مردمان و اعضای متمرّد و نامطیع بیشتر خواهند شد، «لیکن تو در همه چیز هشیار بوده، متحمل زحمات باش و عمل مبشر را بجا آور و خدمت خود را به کمال رسان» (دوم)

تیموتائوس (۵:۴). ■

خادم در مقام مدیر

بخش چهارم: سازماندهی

نوشته آرمان رشدی

همین مرحله می‌تواند جلو این امر را بگیرد تا از اتلاف نیرو و منابع انسانی و مالی ممانعت به عمل آورد.

در تقسیم کار میان افراد، مهم است که مدیر شرح وظایف هر فرد را مشخصاً تعیین کند. شرح وظایف باید شامل عنوان و تمام جزئیات کاری باشد که شخص مأمور به انجام آن است. وقتی شرح وظایف به دقت تعیین و به شخص ابلاغ شد، از هر گونه سوء تفاهم بعدی جلوگیری خواهد شد و نه مدیر و نه خدمتگزار نمی‌توانند بگویند که این یا آن کار نیز جزو وظایف او بوده است یا نه.

۲- اختیار و مسئولیت

هر فرد یا گروهی که برای انجام کار خاصی مأمور می‌شوند، باید بدانند برای انجام کارشان تا چه میزان اختیار دارند؛ باید دقیقاً بدانند برای تحقق وظیفه‌شان چه کارهایی را مجازند انجام دهند و چه کارهایی را مجاز به انجام نیستند.

مدیر با دادن اختیار به زیردستان خود، در واقع «تفویض اختیار» می‌کند، یعنی بخشی از وظایف خود را به فرد دیگری می‌سپارد؛ به این ترتیب، خودش از فرصت بیشتری برخوردار خواهد بود تا به جای کارهای اجرایی، به اعمال (بقیه در صفحه بعد)

باید انجام دهد؟ زیر نظارت چه کسی؟ برای انجام آن چه میزان اختیار دارد و چه میزان مسئولیت؟ به چه کسی پاسخگوست؟ کسی از کی فرمان می‌برد؟ برای انجام کارها، به چند مدیر نیاز هست؟ چه کسانی زیر نظر کدام مدیر هستند؟ و غیره.

وقتی به این سؤالات پاسخ دادیم، در واقع عملاً کار کلیسایمان را سازماندهی کرده‌ایم، یا برای آن سازمانی تشکیل داده‌ایم.

چگونه سازماندهی کنیم

برای اینکه به کارهایی که برای کلیسایمان در نظر گرفته‌ایم سازمان بدهیم، باید سه کار مهم انجام دهیم:

۱- تقسیم کار

کارهای مختلفی که برای رسیدن به هدف باید انجام شوند، می‌باید میان افراد واجد شرایط تقسیم شود. به عبارت ساده‌تر، برای انجام هر کار یا وظیفه، باید فرد یا افراد معینی انتخاب و به کار گمارده شوند.

یکی از ویژگیهای مهم تقسیم کار این است که از تداخل کارها و تکرار آنها جلوگیری می‌شود. اگر مدیر (شبان) در حین تقسیم کار میان افراد مختلف، مشاهده کند که دو نفر یا دو گروه مسئول انجام کاری یکسان هستند، در

در شماره‌های گذشته، بیان کردیم که هر شبانی که با تعدادی عضو سر و کار داشته باشد، خواه ناخواه درگیر امور مدیریت می‌گردد. دیدیم که عناصر مدیریت عبارتند از: تعیین هدف؛ برنامه‌ریزی؛ سازماندهی؛ رهبری؛ کنترل و نظارت. در مقاله پیشین در خصوص برنامه‌ریزی بحث کردیم. در این مقاله، به موضوع سازماندهی خواهیم پرداخت.

سازماندهی چیست

سازمان یا انجمن یا کلیسایی را در نظر بگیرید که هدف خود را تعیین کرده و برای نیل به آن، برنامه لازم را نیز تهیه دیده است. اینک کار را باید به مرحله اجرا در آورد. برای اجرای کار به صورت گروهی، به سازمان یا تشکیلات یا تشکیلی نیاز هست. بنابراین، می‌توان سازماندهی را اینچنین تعریف کرد و گفت که **سازماندهی یعنی ایجاد تشکیلاتی برای عملی کردن برنامه و رسیدن به هدف.**

اجازه بدهید موضوع را ساده‌تر بیان کنیم. وقتی کلیسایی برای رسیدن به هدفش برنامه‌ریزی می‌کند، در واقع تعداد متنوعی «کار» ایجاد می‌کند. حالا این سؤال پیش می‌آید که این کارها را چه کسی باید انجام دهد؟ چگونه یا مطابق چه اصول و ضوابطی

(دنباله صفحه قبل)

۳- روابط

موسیقی.

- ملاقات مرتب اعضا و صرف وقت با آنان برای رفع مشکلاتشان.
- تشکیل کلاسهای تعلیمی در یکی از روزهای هفته.
- برگزاری جلسات مشارکت و ضیافت برای اعضا.

● افزودن ۱۰ نفر: برای نیل به این هدف انجام کارهای زیر را مشخص می‌کنید:

- تشویق اعضا به بشارت انفرادی.
- تبلیغ جلسات کلیسایی از طریق اعلانات مختلف (رادیو و تلویزیون و آگهی در روزنامه، پخش آگهی در مناطقی که ایرانیها سکونت دارند...).
- تشکیل کمیته‌هایی برای انجام امور خیریه و کمک‌رسانی از سوی کلیسا به نیازمندان ایرانی، با انگیزه اصیل محبت مسیحی.
- تشکیل گروهی برای گفتگو با کسانی که برای نخستین بار به کلیسا می‌آیند.
- تشکیل گروهی برای دعا به‌هنگام جلسه برای ریزش روح‌القدس.

اکنون شما با تعدادی «کار» روبرو هستید که باید انجام شوند. طبق اصول سازماندهی، نخست باید «تقسیم کار» کنید، یعنی برای هر یک از این کارها، شخصی را به‌عنوان مسؤول تعیین کنید. از میان کارهایی که به این ترتیب به‌وجود آمده‌اند، تشخیص می‌دهید که این کارها را باید خودتان انجام دهید: تقویت موعظه‌ها، تشکیل کلاسهای تعلیمی، تشویق

فرد یا گروهی که به کار معینی گمارده شده است، باید بداند که روابطش با سایر افراد یا گروههایی که مشغول به کارهای دیگری هستند، چگونه است. آیا نسبت به یکی از آنها مسؤول و پاسخگو هست یا نه؟ آیا اختیار دارد در کار آنها دخالت کند یا نظر بدهد؟ و نکاتی نظیر این. روشن شدن خطوط ارتباط فرد با سایر کارکنان مانع از بسیاری از اصطکاکات و برخوردها می‌گردد.

یک نمونه

حال، برای روشن شدن این تعاریف، به بررسی یک نمونه عملی می‌پردازیم.

یک کلیسای ۲۰ نفره

فرض کنید که شبان کلیسایی هستی که ۲۰ عضو دارد. هدفی که شما و هیأت رهبری این کلیسا برای سال ۲۰۰۲ تعیین کرده‌اید، این است که تعداد اعضای کلیسا از ۲۰ نفر به ۳۰ نفر افزایش یابد.

پس از مشورت و بررسی، دو برنامه اصلی برای نیل به این هدف مشخص می‌کنید: یکی حفظ ۲۰ نفر عضو موجود است، و دیگری افزودن ۱۰ نفر جدید به تعداد اعضا.

● حفظ اعضای موجود: برای حفظ اعضای موجود تشخیص می‌دهید که باید کارهای مختلفی انجام شود که عبارتند از:

- تقویت موعظه‌ها از طریق دعوت واعظین میهمان.
- بالا بردن کیفیت پرستش در کلیسا، از طریق تنوع بخشیدن به سرودها و

مدیریت بپردازد. تفویض اختیار درضمن باعث می‌شود دیگران احساس مسؤلیت بیشتری نموده، خود را به جلو بکشند و پیشرفت کنند.

اما توجه به این نکته مهم است که هرگاه مدیر وظیفه‌ای را به یکی از زیردستان خود تفویض کند، کماکان خود او جوابگوی کیفیت انجام آن کار خواهد بود. با تفویض اختیار، مدیر از مسؤلیت خود مبرا نخواهد بود. به همین جهت، او باید مرتب بر کار افراد خود نظارت و کنترل به‌عمل آورد.

متأسفانه چه در سازمانهای دنیوی و چه در محافل کلیسایی، بسیاری از مدیران (شبانان) از تفویض اختیار و سپردن کار به دیگران شانه خالی می‌کنند. این امر در انجمنها و کلیساها گاه به دلیل ترس از «رقیب‌تراشی» است. شبان می‌ترسد که مبادا فرد زیردستش کار را به‌نحو خوبی انجام دهد و روزی جای او را بگیرد! گاه نیز دلیل این، میل به حفظ سلطه و کنترل کامل بر کارهایی است که جنبه حیاتی دارند. بعضی از شبانان نیز دیگران را بی‌کفایت می‌شمارند و آنان را شایسته انجام کار نمی‌دانند.

وقتی که فرد بر اساس شرح وظایف خود و اختیاراتی که به او تفویض شده، از کار خود دقیقاً آگاهی یافت، در گام بعدی باید دقیقاً بداند که به چه کسی پاسخگو است؛ برای او باید روشن باشد که سرپرستش کیست و اینکه این سرپرست اجازه دارد بر کارش نظارت و کنترل داشته باشد؛ او نیز باید خود را مؤظف بداند که به سرپرست خود گزارش دهد. این امر را مسؤلیت می‌نامند.

آگهی‌های همسنگران

تسلیمیت

درگذشت خانم آناهید هوسپیان، همسر کشیش ادوارد هوسپیان را به ایشان و خانواده تسلیمیت عرض می‌کنیم.
اتحادیه کلیساهای باپتیست

می‌توانید با نشانی زیر تماس بگیرید:
Iranian Baptist Church of Dallas
P.O. Box 74 19 44
Dallas, TX 75374
U.S.A.
Fax: +1- 972- 964 22 39
E-mail: IBCDallas@yahoo.com

سرودهای جدید

کاست و سی‌دی «نیایش ۲» همراه با سرودنامه و نُت‌نامه آن هم‌اکنون در دسترس است. برای تهیه آن یا کسب اطلاعات بیشتر، لطفاً با آدرس کلیسای فارسی‌زبان محبت در دانمارک تماس حاصل فرمایید.

Church Of Love
Pinsekirken
Ostergade 57-59
5000 Odense
Denmark
Tel: +45- 40 53 25 23
E-mail: info@mohabat.net

در ستایش تو!

کلیسای ایرانیان هوستون (آمریکا) کاست بسیار زیبایی از سرودهایی فارسی با صدای دلنشین خانم فروز باوریان تهیه کرده است. ویژگی بارز این کاست این است که سرودها به سبکی کاملاً ایرانی و با آلات موسیقی ایرانی اجرا شده است.

جهت تهیه آن می‌توانید با نشانی زیر تماس حاصل فرمایید:
Iranian Church of Houston
P.O. Box 225
Friendswood, TX 77549-0225
U.S.A.

مژده به کلیساهایی که فاقد نوازنده می‌باشند

کلیسای باپتیست ایرانیان دالاس (آمریکا)، به همت کشیش ایرج همتی اقدام به اجرا ضبط موسیقی سرودهای فارسی کریسمس برای روی سی‌دی نموده است. این سی‌دی برای کلیساها یا گروه‌های خانگی که از وسیله نواختن موسیقی برخوردار نیستند، این امکان را فراهم می‌آورد که با انتخاب سرود مورد نظر خود و پخش موسیقی آن از روی سی‌دی، شعر سرود را همراه با موسیقی آن بخوانند. همراه با سی‌دی، شعر سرودها نیز برای متقاضیان ارسال می‌شود.

همچنین موسیقی تعداد زیادی از سرودهای فارسی بر روی سه نوار کاست ضبط شده است. کلیسای ایرانیان دالاس در تلاش است که این نوارها را بر روی سی‌دی نیز اجرا و ضبط کند تا استفاده از آنها ساده‌تر باشد.

در صورت تمایل به تهیه این سی‌دی‌ها، یا کسب اطلاعات بیشتر،

عشق آسمانی

برادر ما، آقای سیوا در کالیفرنیا (آمریکا)، هنرمند محبوب مسیحی، به تازگی اقدام به اجرای موسیقی بدون کلام چندین سرود ایرانی‌نموده‌اند تحت عنوان «عشق آسمانی» (Heavenly Passion). این اثر که بر روی سی‌دی ضبط شده، از نظر موسیقی‌شناسی بسیار استادانه و حرفه‌ای اجرا شده است. اگر مایلید ساعتی را در خلوت با خداوند همراه با موسیقی روحانی بسر ببرید و بنا شوید، تهیه این سی‌دی را به شما توصیه می‌کنیم. سیوا خود این سی‌دی را به کشیش هایک هوسپیان‌مهر، شهید کلیسای ایران، تقدیم کرده است.

از برادر هنرمندمان سیوا، قبلاً اثر ارزنده دیگری با نام «یار» با صدای خواننده قدیمی، آلیس، منتشر شده است.

برای تهیه این سی‌دی می‌توانید با وبسایت (website) زیر تماس بگیرید:
www.NejatMusic.com

طرح کلی برای تهیه موعظه

از ت استیوارت

هدیه‌ای که فقط خدا می‌تواند بدهد

متی ۱۸:۱-۲۵

۱- مقدمه

در آیات فوق، مردی را می‌بینیم که آرامش خود را از دست داده بود. گرچه او نامزد خود مریم را دوست داشت، اما خبر بارداری او باعث آشفتگی و رسوایی فراوانی بود. او نمی‌دانست در قبال خدا و والدینش و مریم چه باید بکند.

زندگی همیشه آنطور که ما پیش‌بینی یا برنامه‌ریزی می‌کنیم، پیش نمی‌رود. آیا در این ایام کریسمس، مایلید هدیه‌ای از خدا دریافت کنید که فقط او قادر به دادنش می‌باشد؟ آیا مایلید هدیه «صلح و آرامش» را دریافت کنید؟

آیا نیاز دارید با خدا صلح کنید؟ آیا فکر می‌کنید خدا از دست شما عصبانی است؟ آیا از اتفاقاتی که در زندگی‌تان افتاده، عصبانی هستید؟

آیا نیاز دارید با دیگران صلح کنید؟ آیا کسی که دوستش داشتید، شما را رنجانده است؟

آیا به آرامش فکر نیاز دارید؟ آیا حساس و زودرنج شده‌اید؟ خدا برای یوسف کاری کرد که دنیا نمی‌توانست برای او بکند: خدا به او صلح و آرامش داد.

۲- هدیه الهی آرامش

- کلام خدا آرامش به ارمغان می‌آورد (متی ۲۰:۱-۲۱)
- پسر خدا آرامش به ارمغان می‌آورد
- نام او عیسی خواهد بود، زیرا او امت خویش را از گناهانشان خواهد رها کند (متی ۲۱:۱)
- نام او عمانوئیل خواهد بود، زیرا او با امت خویش خواهد بود (متی ۲۳:۱)

۳- راههای دریافت آرامش الهی

- جستجوی حضور خدا آرامش می‌بخشد (متی ۲۳:۱؛ یوحنا ۱۴:۲۷)
- اطاعت از کلام خدا آرامش می‌بخشد (متی ۲۴:۱؛ کولسیان ۷:۴)

۴- نتایج دریافت آرامش الهی

- صلح با خدا (رومیان ۱:۵)
- صلح با دیگران (افسیسیان ۲:۱۴-۱۷)
- آرامش فکر (فیلیپیان ۴:۷)

(دنباله صفحه ۸)

اعضا به بشارت انفرادی. اما بقیه کارها را باید به دیگران تفویض کنید.

برای مثال، برادر رامین را برای «کار» تبلیغ جلسات کلیسایی انتخاب می‌کنید. برای او باید شرح وظایفی مشخص، همراه با جزئیات تعیین کنید. او دقیقاً باید بداند چه کارهایی از او مورد انتظار است و در چه مدت باید این وظیفه را انجام دهد. او همچنین باید بداند که به شما پاسخگوست و باید مرتب به شما گزارش دهد. درضمن، می‌دانید که او به‌تنهایی قادر نیست تمام این کارها را انجام

دهد. لذا به او اختیار می‌دهید که فرد یا افرادی را به‌عنوان دستیار خود به کار بگمارد. او نیز باید به‌نوبه خود کارهای کوچکتر را میان افراد خود تقسیم کند و شرح وظایف هر یک را مشخص سازد.

نکته‌ای که نباید فراموش کنید این است که شما اجازه ندارید به دستیاران برادر رامین بدون اجازه و مستقیماً دستور بدهید. این دستورات را باید از طریق رامین به ایشان بدهید چون سرپرست ایشان اوست. ایشان نیز اجازه ندارند مستقیماً و بدون اطلاع و اجازه رامین، از شما مشورت یا دستور بگیرند. این امر به روند سهل‌تر کارهای کمک شایانی می‌کند.

به‌همین ترتیب، عضوی را برای هر یک از کارهای دیگری می‌گمارید. هر یک از آنان نیز می‌توانند از افراد دیگر برای اجرای جزئیات کار خود بهره بگیرند. بدینسان، شما کلیسایتان را بر اساس برنامه‌هایتان برای رسیدن به هدف سازماندهی کرده‌اید.

در شماره آینده، به موضوع رهبری خواهیم پرداخت. ■